

بهره‌وری اهل سنت از اهل بیت(ع) در علوم قرآنی

مرضیه اکاتی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۳

غلامرضا رضوی دوست**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۶

ابراهیم نوری***

چکیده

اهل بیت روایات گهرباری در زمینه‌های گوناگون از جمله مباحث علوم قرآنی بر جای گذاشته‌اند. اندیشمندان اهل سنت به گونه‌های مختلف از آن‌ها بهره برده‌اند. این مقاله با روش توصیفی-اسنادی با رویکردی قرآنی-روایی، پس از مطالعه کتب علوم قرآنی اهل سنت، به تحلیل و تقسیم‌بندی بهره‌وری‌های اندیشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت(ع) پرداخته است. نوشته حاضر اقسام این بهره‌وری‌ها را در قالب موارد ذیل بیان می‌دارد: بهره‌وری ترجیحی، که در آن روایت اهل بیت بر سایر احادیث، ترجیح داده شده. بهره‌وری استنادی، که در مورد درستی مطلبی به سخن اهل بیت استناد می‌کنند. بهره‌وری تأییدی، بهره‌وری انتقادی، بهره‌وری انکاری و ... از موارد دیگری است که این نوشته به آن می‌پردازد، و نتیجه می‌گیرد که اندیشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت(ع) به گونه‌های مختلف بهره‌وری نموده‌اند.

کلیدواژگان: قرآن، آیات، دانش‌های قرآنی، تقدیم، تأخیر، مجمل، سبب نزول.

marziye.okati68@gmail.com

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی، زاهدان، ایران.

** عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران(مربی).

r.razavi14@gmail.com

*** عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران(استادیار).

enoori@theo.usb.ac.ir

نویسنده مسئول: مرضیه اکاتی

مقدمه

قرآن کریم اساس قانون و قانون اساسی ما و سنگ بنای تمدن اسلامی است. در فرهنگ بشری شخصیتی مؤثرتر، نافذتر و انقلاب انگیزتر از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و کتابی فرهنگ آفرین تر و زندگی سازتر از قرآن نداریم (ممتحن، ۱۳۸۸، ش ۱: ۱۵۰). پیامبر (ص) ضمن پاسخگویی به پرسش‌ها درباره قرآن، اهل بیت علیهم السلام را مرجع پس از خود معرفی فرمود، اما در طول تاریخ عده‌ای افراد مغرض با حذف ظاهری اهل بیت علیهم السلام اقدام به مرجع تراشی نموده و به جعل و تحریف احادیث دست یازیدند؛ اما وارثان حقیقی قرآن هر فرصتی را مغتنم دانسته و با تربیت شاگردان سعی در ترویج اسلام واقعی نمودند، در راستای این حرکت عده‌ای از علمای اهل سنت متوجه این اقدام مخالفان قرآن و عترت شدند و سعی نمودند با آوردن احادیث آن بزرگواران قدری از این مصیبت بکاهند.

بر کسی پوشیده نیست علم قرآن مخصوص اهل بیت علیهم السلام است چنانکه شهرستانی می‌گوید: «لقد كان الصحابة رضی الله عنهم متفقین علی أن علم القرآن مخصوص بأهل البيت إذ كانوا يسألون علی بن ابی طالب، هل خصصتم اهل البيت دوننا بشيء سوى القرآن وكان يقول: لا والذي فلق حبة وبرا النسبة إلّا ما فی قرابی سیفی: «صحابه بر این اتفاق نظر داشتند که علم قرآن اختصاص به اهل بیت علیهم السلام دارد، زیرا از علی علیه السلام سؤال می‌کردند: آیا به شما چیزی به غیر از قرآن اختصاص داده شده است؟ و ایشان جواب می‌داد نه! قسم به کسی که دانه را شکافت و نسل‌ها را به وجود آورد مگر آن چیزی که در غلاف شمشیرم است» (شهرستانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۵).

نظر به جایگاه اهل بیت علیهم السلام و روایات مربوط به دانش‌های علوم قرآنی آن‌ها در کلام اندیشمندان اهل سنت، پرداختن به گونه‌های بهره‌وری این بزرگان از روایات امامان دوازده‌گانه، ضرورت و اهمیت بیش‌تری می‌یابد.

با تتبع در سخنان اندیشمندان اهل سنت نموده‌های بهره‌وری از روایات اهل بیت علیهم السلام در دانش‌های علوم قرآنی را مشاهده می‌کنیم که هر کدام جنبه‌ای خاص به خود اختصاص داده است. سؤال اصلی تحقیق این است: اندیشمندان اهل سنت چه نوع بهره‌وری‌هایی از روایات اهل بیت علیهم السلام در دانش‌های علوم قرآنی داشته‌اند؟

پیشینه تحقیق

تا جایی که نگارنده بررسی نموده در این زمینه تا کنون کتاب، پایان‌نامه، و مقاله‌ای که به طور مستقل موضوع مورد نظر را بررسی کرده باشد، وجود نداشته است. فقط در برخی از کتاب‌ها در خلال مباحث علوم قرآنی به روایات اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. به عنوان نمونه در کتاب «امام علی و مبانی علوم قرآنی» (فرشچیان، ۱۳۸۷) به پاره‌ای از روایات امام علی علیه السلام که مربوط به مباحث علوم قرآنی اعم از ناسخ و منسوخ، قرائات، تقدیم و تأخیر و... اشاره شده است. مقاله «شیوه‌های بهره‌وری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در بینش اندیشمندان اهل سنت» (خاکپور و عابدی، ۱۳۹۱): در این نوشته به تحلیل شیوه بهره‌گیری اندیشمندان اهل سنت از روایات تفسیری اهل بیت پرداخته شده است. مقاله «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی علیه السلام در روایات تفسیری اهل سنت» (خاکپور و عابدی، ۱۳۹۰): این اثر به ارائه روش‌ها و گونه‌های تفسیری امام علی علیه السلام می‌پردازد. لذا پژوهش حاضر بر آن است که به صورت مستقل شیوه بهره‌وری از روایات اهل بیت علیهم السلام در مباحث علوم قرآنی توسط اندیشمندان اهل سنت، را استخراج، دسته‌بندی، تحلیل و بررسی نماید.

سؤالات تحقیق

۱. روایات اهل بیت علیهم السلام در مبانی علوم قرآنی نزد اندیشمندان اهل سنت چه جایگاهی دارد؟
۲. اندیشمندان اهل سنت چه نوع بهره‌وری از روایات اهل بیت علیهم السلام داشته‌اند؟
۳. کدام بهره‌وری اندیشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت علیهم السلام نمود بیش‌تری دارد؟

فرضیه‌ها

۱. روایات اهل بیت علیهم السلام در مبانی علوم قرآنی ایشان نزد اندیشمندان اهل سنت از جایگاهی بس والا برخوردار است.

۲. بهره‌وری اندیشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت: بهره‌وری ترجیحی، تأییدی، مبنایی، نقلی، نقادانه، انکاری و... می‌باشد.
۳. بهره‌وری نقلی و تأییدی از روایات اهل بیت در مبانی علوم قرآنی نسبت به بقیه موارد، بیش‌تر است.

بهره‌وری‌های مثبت‌گرایانه

دانشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت علیهم السلام در مبانی علوم قرآنی، گاه بهره‌وری‌های مثبت‌گرایانه‌ای داشته‌اند که در ذیل مطرح می‌شود:

۱. بهره‌وری ترجیحی

مقصود آن است که اندیشمندان اهل سنت در دانش‌های علوم قرآنی پس از نقل سخن اهل بیت علیهم السلام و دیگران، سخن امام را بر سایر نظرها ترجیح می‌دهد.

ترجیح در بحث تقدیم و تأخیر

گاه لفظی در یک جا مقدم و در جایی دیگر مؤخر آورده می‌شود. سر آن این است که یا سیاق آیه در هر جا همان را اقتضاء می‌کند که مقدم آورده شده است، و یا آنکه آغاز کردن به آن لفظ در موضع اول و در انتها آوردن آن در موضع دیگر به جهت اهمیت و اعتنا به شأن آن می‌باشد، و یا به قصد تفنن و تنوع در فصاحت و عرضه کلام در اسلوب‌های متعدد، لفظی در یک موضع مقدم و در موضع دیگر مؤخر می‌آید (السیوطی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۸). مانند:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قِيمًا...﴾ (کهف/ ۱-۲)

و آیه:

﴿لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (ص/ ۲۶)

لازم می‌آید در اینجا به روایت امام علی علیه السلام که اندیشمندان اهل سنت سخن ایشان را بر سایر نظرها ترجیح داده‌اند اشاره شود:

سخنی که سیوطی در مقدم داشتن وصیت بر دین گفته است، برگرفته از روایت حارث همدانی از علی علیه السلام می‌باشد، و در اینجا جا دارد آیه مربوط به مسأله وصیت را بیان کنیم:

﴿وَلَكُمْ نَصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ...﴾ (نساء / ۱۲)

که بسیاری از بزرگان اهل تسنن روایت مربوط به آن را در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند و سیوطی با اینکه خود در «در المنثور»، آن را از ده تن از بزرگان حدیث چون ابن حنبل، ترمذی، و طبری نقل می‌کند در «الإتقان» هیچ اشاره‌ای به این روایت نمی‌کند. بخاری نیز پاره‌ای از این سخن امام علیه السلام را بدون استناد به آن حضرت آورده است (البخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۰۱۰) اما محاسبی در باب تقدیم و تأخیر با ذکر روایت امام علی علیه السلام به استناد در این خصوص می‌پردازد (المحاسبی، ۱۳۹۸ق: ۴۷۷) ابن حنبل نقل می‌کند:

«عن الحارث عن علي عليه السلام قال: قضى النبي صلى الله عليه وآله بالدَّين قبل الوصية وأنتم تقرؤون من بعد وصية يوصي بها أو دين...»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله حکم فرمود: قرض قبل از وصیت پرداخته شود در حالی که شما می‌خوانید: من بعد وصية يوصي بها أو دين» (ابن حنبل الشیبانی، بی تا، ج ۱: ۱۳۱). در بیان «وأنتم تقرؤون» گفته شده است: «این سخن که اخباری است در آن معنی استفهام نهفته می‌باشد به این معنی که شما که آیه را می‌خوانید آیا معنی آن را می‌دانید، وصیت در قرائت بر دین مقدم است ولی در قضا و حکم از آن متأخر آمده و به دلیل اهتمام به امر وصیت بر دین مقدم داشته شده است» (المبارکفوری، بی تا، ج ۶: ۲۶۲).

عده زیادی از دانشمندان اهل سنت روایت یا مفهوم آن را در کتاب‌های خویش آورده‌اند (الطیالسی، بی تا: ۲۵؛ ابویعلی الموصلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۵۷؛ ابن ماجه. بی تا، ج ۲: ۹۰۶؛ البزار، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۷۴) به خاطر همین کثرت نقل است که ترمذی، و سهیلی ادعای اجماع بر عمل به این حدیث دارند (الترمذی. بی تا، ج ۴: ۴۱۶؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۱۹؛ سهیلی، ۱۴۰۵ق: ۷۹-۸۰).

چنانکه که گذشت در بحث تقدیم و تأخیر دانشمندان اهل سنت هر جا که این حدیث را نقل نموده‌اند به حضرت علی علیه السلام نسبت داده و روایات امام را بر سایر روایات ترجیح داده‌اند.

ترجیح در تبیین مجملات

"مجمل" لفظی است که دلالت آن بر معنایش روشن و واضح نباشد. در این باره چند نظر است و صحیح‌ترین نظر آن است که مکلفین به احکام قرآن، در عمل به آیات مجمل قرآن معطل نمانده‌اند و از این دست از آیات قرآن رفع اجمال شده است (سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۱) مانند:

﴿وَلِإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ...﴾ (بقره/۲۳۷)

که نمونه‌هایی از اینگونه مجملات در آیات قرآن دیده می‌شود ولی متأسفانه در این مقاله بیش از این نمی‌توان به بررسی آن پرداخت. نمونه‌ای از تبیین مجملات توسط اهل بیت علیهم السلام را که اندیشمند اهل سنت نظر امام را بر سایر اقوال ترجیح داده است بیان می‌کنیم:

﴿يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ (توبه/ ۳) روی عن علی علیه السلام قال: «يوم الحج الاكبر، يوم النحر» (ألوسی، بی تا، ج ۱۰: ۴۶؛ الشوکانی، بی تا، ج ۳: ۲۸۲): «از امام علی علیه السلام روایت شده که روز حج بزرگ، روز عید قربان است. سیوطی قول حضرت را بر سایر اقوال ترجیح می‌دهد. همانطور که شهرستانی نیز علم مجملات قرآن را به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده است.

۲. بهره‌وری استنادی و استشهادی

در برخی موارد اندیشمندان اهل سنت در مورد درستی مطلبی به سخن اهل بیت علیهم السلام استناد می‌کنند و یا سخن امام را شاهی بر صحت آن قول برمی‌شمارند.

اهمیت تفسیر

امام علی علیه السلام درباره اهمیت قرآن و تأکید بر خواندن و اندیشیدن و شنیدن نغمه‌های آسمانی کتاب خدا، سخنان نغز و آموزنده‌ای دارند. سخنان وی، تنها به زیبایی‌های ظاهر قرآن محدود نمی‌شود، بلکه این پیشوای تفسیر درباره فهم قرآن و تفسیر کتاب الهی سخنان ارزشمندی دارد:

ابن عطیه و پس از او قرطبی، ثعالبی و شوکانی، به روایتی از علی علیه السلام در اهمیت تفسیر استناد کرده‌اند، بنا بر این روایت، علی علیه السلام، جابر بن عبد الله را به علم توصیف کرده، فردی به آن حضرت می‌گوید: «جعلت فداک تصف جابراً بالعلم وأنت أنت»؛ تو علی با این مقامت جابر را به علم وصف می‌کنی و آن حضرت در پاسخ می‌گوید: جابر تفسیر آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ، لَرَأَىٰكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ (قصص / ۸۵) را می‌دانست (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۳ق: ۱۹). قرطبی نیز به این روایت که در آن به علماء نسبت داده، استناد جسته است: «قال علماؤنا رحمة الله عليهم وأما ما جاء في فضل التفسير عن الصحابة والتابعين فمن ذلك أن علي بن ابي طالب...» (القرطبي، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۶). ثعالبی نیز این حدیث را در ابتدای باب فضل تفسیر القرآن و اعرابه از تفسیر خود قرار داده است. و شوکانی هم در آغاز تفسیر معروف خویش روایت امام علی علیه السلام را آورده است (الشوکانی، بی تا، ج ۱: ۱۴).

جمع قرآن

یکی از بحث برانگیزترین مباحث علوم قرآنی، بحث جمع قرآن می‌باشد که ذهن بسیاری از محققان و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. در اینکه چه کسی پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جمع و تدوین قرآن و ترتیب سور آن پرداخته - از نظر محققان اهل سنت - اختلاف نظر وجود دارد ولی آنچه علماء شیعه و اهل سنت اظهار کرده‌اند، این است که امیرالمؤمنان علی علیه السلام آغازگر تدوین بر حسب وصیت و سفارش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از رحلت آن حضرت بوده است (حجتی، ۱۳۸۹: ۳۸۵) که در اینجا اندیشمندان اهل سنت به حدیث امام علی علیه السلام در رابطه با جمع قرآن استناد نموده‌اند:

دانشمندان اهل سنت، حدیث جمع قرآن به وسیله علی علیه السلام را بیش تر از طریق ابن سیرین نقل می کنند، ابن الضریس (الزرکلی، ۱۹۹۹م، ج ۶: ۴۶) در «فضائل القرآن»، سجستانی و ابن اشته در «مصاحف» خود این روایت را نقل کرده اند. سجستانی از ابن سیرین آورده است: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت نمود، علی قسم یاد کرد که جز برای نماز جمعه رداء بر دوش نگیرد تا قرآن را در مصحفی گرد آورد و چنین کرد»، و از علی علیه السلام نقل می کند که «قسم یاد کرده ام رداء بر دوش نگیرم جز برای نماز جمعه»؛ «عن محمد بن سیرین قال: لما توفی النبی (ص) اقسام علیّ أن لا یرتدی برداء الا لجمعة حتی یجمع القرآن فی مصحف ففعل» (سجستانی، ۱۳۵۵ق: ۱۰).

سیوطی در «تاریخ الخلفاء»، سخن سجستانی را با اختلاف نسبت به آنچه ذکر گردید، آورده است، نقل ابن حجر هیثمی، جز در یکی دو کلمه، همانند «تاریخ الخلفاء» است و در هر دو سخنی از نماز جمعه به میان نیامده است (السیوطی، ۱۳۷۱ق: ۱۸۵؛ الهیتمی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۳۷۵) البته احتمال داده می شود نسخه ای که آنان از «المصاحف» در دست داشته اند با آنچه آرتور جفری تصحیح کرده، تفاوت داشته است. اما سیوطی در «الإتقان» قریب آنچه را سجستانی از ابن سیرین نقل کرده، به علی علیه السلام نسبت داده است (السیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۰۳).

بنابراین جمع آوری قرآن به وسیله حضرت علی علیه السلام در بیش تر کتب اهل سنت نقل شده و استناد اکثر آنها نیز به علی علیه السلام می باشد.

۳. بهره‌وری تأییدی

گاه اندیشمند اهل سنت روایت امام علی علیه السلام را به عنوان تأییدی بر سخن خود، صحابه، یا رسول الله استفاده می کند.

تأیید سخن خود با روایت امام

در پاره‌ای موارد اندیشمندان اهل سنت سخن خویش را با روایت امام تأیید می کنند که به برخی اشاره می شود.

تأیید در بحث حروف مقطعه

در آغاز ۲۹ سوره از قرآن حروفی وجود دارد که به دلیل قرائت ناپیوسته و خوانده‌شدن به نام حرفی خودشان، حروف مقطعه نامیده شده‌اند، مانند: «الم، الر، المر، حم و...» (بقره/ شعراء/ عنکبوت/ احقاف و ...). به عبارت دیگر، این قطع بودن به سبب همان اعتبار حرفی است؛ یعنی از آنجا که هر حرف، مستقل از دیگر حروف مورد نظر است، اگرچه چند حرف در کتابت به هم چسبیده و در کنار هم باشند، آن‌ها را مقطعه خوانده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۹ق، ج ۱۸: ۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۲: ۶۳-۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: ۶۱).

از امام علی علیه السلام درباره مقاصد حروف آغازین برخی سوره‌ها، که به حروف مقطعه معروف شده‌اند، مطالبی در منابع اهل سنت نقل شده که در آن‌ها امام به بیان هدف این حروف در حد وسع مخاطب پرداخته است.

یکی از نظریه‌ها در مقاصد حروف مقطعه این است که آن‌ها اسامی خداوند می‌باشند. امام می‌فرماید: «الحروف المقطعة فی القرآن هی اسم الله الاعظم» (ابن عطیه، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۸۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۰). امام علیه السلام در این حدیث شریف حروف مقطعه را اسم اعظم خدا دانسته که اگر مردم جمع و تألیف آن را می‌دانستند، هرگاه او را بدان می‌خواندند، اجابت می‌فرمود (ابن جوزی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۰). ابن جوزی حدیث امام را به عنوان تأییدی بر نظر خود می‌آورد. و نیز روایت شده است که علی علیه السلام در حین جنگ‌ها و در دعای خویش خداوند را با: "کهیص" و "حم عسق" می‌خواند (البیضاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۹۳؛ المجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲: ۴۶۱؛ النوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۱۰۵). بیضاوی، سیوطی و مجلسی این روایت را تأییدی بر اینکه این حروف اسم‌های خداوند است دانسته‌اند. و حدیث امام را در مورد حروف مقطعه مورد تأیید قرار داده‌اند.

تأیید در بحث آخرین آیات نازل شده

در مصداق آخرین آیه‌ای که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده در میان دانشمندان اختلاف زیادی وجود دارد از جمله: گروهی آخرین آیه نازل شده را ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا﴾

تَرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ تُرَاقِبُ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿بقره/ ۲۸۱﴾ و برخی آیه ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرٌ مَرُّهُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِيهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ... ﴿نساء/ ۱۷۶﴾ و تعدادی آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... ﴿مائده/ ۳﴾ می‌دانند و اقوال دیگری هم وجود دارد، زیرا بستگی به گوینده آن دارد که چه زمانی از پیامبر شنیده باشد. در این زمینه روایتی از امام علی علیه السلام موجود می‌باشد که توسط اندیشمندان اهل سنت تأیید شده است.

در روایاتی که از علی علیه السلام رسیده است یکی از آخرین سوره‌های نازل شده دیده می‌شود. در «تفسیر» عیاشی از امام باقر علیه السلام از علی علیه السلام آمده است که سوره مائده دو یا سه ماه قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید و نیز در همین کتاب و «دعائم الاسلام» از آن حضرت علیه السلام نقل شده که، سوره مائده از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده... «کانت سورة المائده من آخر ما نزل من القرآن» (ر.ک: العیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۲۸؛ المجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹: ۲۷۴).

آنچه این روایت را تأیید می‌کند این است که، بنا به روایت سعید بن مسیب از امام علی علیه السلام سوره مائده، یکصد و دهمین سوره در ترتیب نزولی سوره‌های قرآن بوده، ولی در ترتیب مقاتل بن سلیمان این سوره هشتاد و سومین سوره‌ای می‌باشد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است. بعید نیست بتوان بین این روایات اینگونه جمع‌بندی کرد که روایت مقاتل نظر به بخش‌هایی از سوره مائده دارد ولی در هر صورت مضمون دیگر روایات شیعه و اهل سنت نخستین نظر را تقویت و تأیید می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸ق، ج ۲: ۲۲۷؛ الراوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۴۲۶؛ ابن ابی جمهور الاحسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۸۳). چنانکه ملاحظه شد اندیشمندان اهل سنت روایت امام علیه السلام را در رابطه با آخرین سوره نازل شده جهت تأیید بر سخن خویش نقل نموده‌اند.

۴. بهره‌وری دفاعی (دفاع در مقابل نقل نادرست)

در این گونه موارد، اندیشمندان اهل سنت پس از بیان روایتی منسوب به امام علیه السلام، در مقام دفاع از ساحت امام یا قرآن برآمده و انتساب آن را صحیح ندانسته و

مورد انکار قرار می‌دهند. این قسم را می‌توان دفاع در مقابل نقل نادرست نیز نامگذاری کرد.

روایت شده است که حضرت علی علیه السلام، واژه حصب در آیه ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ﴾ (انبیاء/۹۸) را حطب قرائت کرده است، مجاهد بن جبر این روایت را از شخصی به نام محمد بن الحکم از فردی که از علی علیه السلام شنیده است نقل می‌کند (مجاهد، بی تا، ج ۱: ۴۱۶).

ابن حجر فردی که از علی علیه السلام قرائت حطب جهنم را شنیده است را از مشایخ محمد بن الحکم/الاسدی بر می‌شمارد (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹: ۱۰۹). این دو نقل موجود درجه اعتبار روایت مورد بحث را می‌رساند، به عبارت دیگر تنها کسی که این قرائت را از علی علیه السلام شنیده، شناخته شده نیست. برخی چون ابن منظور، و ابن حجر روایت را بدون سند از فراء نقل می‌کنند (ابن منظور، بی تا، ج ۱: ۳۲۰؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۶: ۳۲۲) و دیگران از عباراتی همانند: «رُوی عن علی» یا «قرأ علی» و همانند آن استفاده می‌کنند و هیچ سندی ذکر نمی‌کنند (بنگرید به الطبری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷: ۹۴؛ البغوی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۲۶۹).

۵. بهره‌وری منفی گرایانه از روایات اهل بیت علیهم السلام

دانشمندان اهل سنت در پاره‌ای موارد از روایات اهل بیت علیهم السلام بهره‌وری‌هایی داشته‌اند که جهت‌گیری منفی گرایانه دارد. از جمله:

بهره‌وری وضعی (جعل از لسان معصوم)

در برخی مباحث علوم قرآنی، بعضی اندیشمندان اهل سنت به تحریف و جعل روایات پرداخته و یا پاره‌ای روایات که متعلق به معصوم بوده را عمداً یا سهواً نادیده می‌گیرند:

۱. تقدیم و تأخیر

در منابع اهل سنت روایتی از امام علی علیه السلام در مورد تقدیم و تأخیر به شرح ذیل نقل شده است: در آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده/)

طبری از ابو عبد الرحمن سلمی نقل کرده است: «حسن و حسین علیهما السلام بر من قرآن می خواندند، آن‌ها و اَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، تلاوت کردند، علی علیه السلام در حالی که بین مردم به دادرسی مشغول بود، آن را شنید، فرمود: این از مقدم و مؤخر کلام است» (الطبری، ۱۴۰۵ ق، ج ۶: ۱۲۷ و ۹۳).

ابوزرعه در «حجة القراءات» این روایت را از ابو عبد الرحمن چنین نقل می کند: «من و حسن و حسین علیهما السلام در نزدیکی علی علیه السلام قرآن قرائت می کردیم، او به امور مردم مشغول بود، مردی گفت: وَأَرْجُلُكُمْ (به کسر)، علی علیه السلام گفت: آنطور که گفתי نیست، سپس تلاوت کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ﴾، و گفت این از مقدم و مؤخر است (ابوزرعه، ۱۴۰۲ ق: ۲۲۱) دیده می شود که بنا به این نقل "وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ" بر "وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ" مقدم داشته شده، این در حالی است که در نقل طبری و به پیروی از او قرطبی و سیوطی سخنی از تلاوت حضرت علی علیه السلام نیامده است.

«وقد روی عاصم بن کلیب عن أبي عبد الرحمن السلمی قال: قرأ الحسن و- الحسين - رحمة الله عليهما - علی (و- أَرْجُلُكُمْ) فسمع علی ذلك وكان يقضى بين الناس فقال: (و- أَرْجُلُكُمْ) هذا من المقدم و- المؤخر من الكلام. و- روی أبو إسحاق عن الحارث عن علی رضی الله عنه قال: اغسلوا الأقدام إلى الكعبين. و- کذا روی عن ابن مسعود و- ابن عباس أنهما قرا (و- أَرْجُلُكُمْ) بالنصب» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۳).

و/ابوزرعه نیز روایت را به گونه ای دیگر، نقل کرده است، پس این روایت از انسجام برخوردار نیست و در کتاب های اهل سنت نیز به ندرت نقل شده است، از این رو نمی توان به آن به دیده اعتماد نگاه کرد، به خصوص که اهل سنت، خود روایاتی از امام علیه السلام نقل می کنند که بیانگر مسح پاها است، همانند این روایت معروف: «لو كان الدين برأى، كان باطن القدمين أحق بالمسح على ظاهرهما و لكن رأيت رسول الله (ص) مسح ظاهرهما» (ابو يعلى الموصلى، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۸۷؛ ابن حنبل الشيباني، بی تا، ج ۱: ۹۵ و ۱۱۴).

با توجه به این روایات متوجه می‌شویم که دانشمندان اهل سنت در مبحث تقدیم و تأخیر، روایتی را به امام نسبت داده‌اند که متعلق به ایشان نبوده یا از زبانشان جعل نموده‌اند.

۲. سبب نزول

یکی از راه‌های فهم معنا و مقصود، توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است، برخی از آیات قرآن در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شده‌اند که آن را سبب نزول می‌نامیم (الزرقانی، ۱۹۸۸: ۱۰۷). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «والله لم تنزل آیه الا وأنا أعلم فیم نزلت وفیمن نزلت وأین نزلت؛ قسم به خدا هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر آن که می‌دانم درباره چه کسی، چه چیزی و در کجا نازل شده است» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۵؛ خوارزمی، بی تا: ۴۶). به همین دلیل امام علی علیه السلام را می‌توان آگاه‌ترین فرد به اسباب نزول دانست (خاکپور و عابدی، ۱۳۹۰، ش ۱: ۳۲). یکی از مباحث جدی و اساسی مبحث اسباب نزول، مقوله جعل و تحریف در روایات و احادیث اسباب نزول است. اهمیت این مقوله در روایات مربوط به تفسیر قرآن، به ویژه احادیث مرتبط به اسباب نزول بیش‌تر است (صدر و ربانی، ۱۳۷۴، ش ۱: ۷۹).

با توجه به اهمیت اسباب نزول در مباحث علوم قرآنی، روایات متعددی درباره سبب نزول آیات از حضرت علی علیه السلام توسط اندیشمندان اهل سنت نقل شده که البته همه آن‌ها در خور اعتماد نیست و محتوای برخی، نشان از ساختگی بودن آن‌ها دارد. از جمله ذیل آیه:

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ...﴾

(توبه / ۱۱۳-۱۱۴)

ابوالخلیل از علی علیه السلام روایت می‌کند که «شنیدم مردی برای پدر و مادر مشرک خود آمرزش می‌طلبد، به او گفتم: برای اینان که مشرک‌اند مغفرت می‌طلبی؟ گفت: مگر ابراهیم چنین نکرد، علی علیه السلام می‌گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله جریان را در میان گذاشتم و آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد. این روایت را بسیاری از بزرگان تفسیر و حدیث نقل کرده‌اند، جمعی از آنان عبارت‌اند از ابن حنبل، ترمذی،

طبری، نسائی، بیهقی، ابویعلی، بزاز، نحاس، حاکم نیشابوری، ابن جوزی، بغوی، ابن کثیر، قرطبی، ضیاءالدین مقدسی، الجمال الملطی، ابن حجر عسقلانی، سیوطی و شوکانی» (ابن حنبل شیبانی، بی تا، ج ۱: ۹۹ و ۱۰۳؛ الترمذی، بی تا، ج ۵: ۲۸۱؛ الطبری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۴۳؛ النسائی، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۹۱، العیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۱۱۴؛ المجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱: ۸۸). ولی در یکی از دو نقل علامه مجلسی، از عیاشی، ابواسحاق همدانی از خلیل از ابوعبدالله روایت می‌کند (همان، ج ۳۹۰: ۷۲). در این بین طبری، سببی دیگر برای نزول این آیه از علی علیه السلام آورده است: «پیامبر برای پدر و مادر مشرکش، استغفار می‌کرد تا اینکه این آیات نازل شد (طبری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۴۳). با در نظر گرفتن کثرت نقل روایت پیشین، این روایت بسیار عجیب و ساختگی می‌نماید.

ابن مسیب نقل می‌کند علی‌رغم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین ابوطالب و درخواست بر زبان آوردن کلمه طیبه توحید، اما ابوطالب از ادای شهادتین خودداری کرد و آخرین جمله‌اش این بود: «علی ملة عبدالمطلب». در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مادامی که نهی نشده‌ام برای تو استغفار خواهم کرد سپس این آیه نازل شد و پیامبر را از استغفار برای او باز داشت» (صدر و ربانی، ۱۳۷۴: ۷۳).

این روایت با این مضمون فقط از طریق ابن مسیب نقل گردیده است که سابقه دشمنی او با علی (ع) و اهل بیت علیهم السلام قابل چشم‌پوشی نیست. از این روایت استفاده می‌شود که آیه مذکور در مکه و هنگام مرگ ابوطالب نازل شده باشد. در صورتی که این آیه در سوره توبه قرار دارد و سوره توبه از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. پس روایت یادشده، با تاریخ نزول آیه ناسازگار است.

۶. بهره‌وری انتقادی

منظور از بهره‌وری انتقادی آن است که، اندیشمندان اهل سنت پس از نقل روایات اهل بیت علیهم السلام در مورد سند و محتوای آن‌ها اظهار نظر نموده و نقد می‌کنند که نقدها را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

تشویق به حفظ قرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله آیات نورانی قرآن را از امین وحی دریافت کرده، آن‌ها را به خاطر سپرده و به مردم ابلاغ می‌کردند و علاوه بر اینکه خود، آیات الهی را به خاطر می‌سپردند، یارانشان را نیز تشویق می‌کردند تا هرچه بیش‌تر قرآن را حفظ کنند (حسینی زاده، ۱۳۹۲: ۱۹). چندین محدث از اهل سنت و شیعه روایاتی در اهمیت حفظ و یادگیری قرآن از علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند: «من تعلم القرآن فاستظهره وحفظه أدخله الله الجنة وشفعه فی عشر من اهل بیت کلهم قد وجبت لهم النار» (ابن حنبل الشیبانی، بی تا، ج ۱: ۱۴۹).

ترمذی این حدیث را به دلیل وجود حفص ضعیف می‌خواند (الترمذی، بی تا، ج ۵: ۱۷۱). بیهقی و حافظ مزی، نیز سخن ترمذی را ذکر کرده‌اند (البیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۲۹؛ المزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۴: ۱۱۱). اشکال ترمذی بر حفص، ضعف او در حدیث است. سخنان علمای جرح و تعدیل اهل سنت درباره وی یک‌دست نیست، برخی چون وکیع او را ثقه خوانده‌اند و در یکی دو نقل از احمد بن حنبل، صالح خوانده شده، اگرچه در نقلی دیگر از ابن حنبل وی متروک الحدیث، دانسته شده اما بیش‌تر آنان وی را تضعیف نموده‌اند و احادیث او را بواطیل نامیده‌اند، ابن معین و نسائی از کسانی هستند که وی را ثقه نمی‌دانند (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۴۵-۳۴۶). صاحب «جامع الأخبار» همین روایت را با اندکی اختلاف از علی علیه السلام آورده است و مرحوم مجلسی در «بحار الأنوار» آن را نقل کرده است (الشعیری، ۱۳۶۳ق: ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹: ۱۹). همچنین اهل تشیع و تسنن بر صلاحیت‌های دینی و علمی عاصم اعتراف دارند و سند قرائت او را ممتاز دانسته‌اند (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۵).

علاوه بر برتری قرائت حفص، کثرت نقل روایت مورد نظر توسط علمای اهل سنت و نیز تأیید مضمون آن، همگی می‌تواند قرینه‌هایی بر پذیرش و قبول روایت باشد. ابن حنبل از نخستین کسانی است که این روایت را به دو طریق از علی علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورده است: «من تعلم القرآن فاستظهره وحفظه أدخله الله الجنة وشفعه فی عشر من أهل بیت کلهم قد وجبت لهم النار» (ابن حنبل الشیبانی، بی تا، ج ۱: ۱۴۹). ابن اثیر مراد از "فاستظهره" را حفظ قرآن می‌داند و اضافه

می‌کند: قرأت القرآن عن ظهر قلبی أی قرأته من حفظی (ابن الاثیر الجزری، بی تا، ج ۳: ۱۶۶). آنان که پس از ابن حنبل این روایت امام علیه السلام را با کم و بیش اختلافی در کتاب‌های خود آورده‌اند، عبارت‌اند از ترمذی، طبرانی، ابوالاحمد جرجانی، بیهقی، خطیب بغدادی، ابو محمد منذری، حافظ مزی، سیوطی، به نقل از ابن ماجه و... (الترمذی، بی تا، ج ۵: ۱۷۱؛ الطبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۱۷)؛ حافظ مزی، این روایت را از طریق ترمذی و ابن ماجه آورده است و هر دو طریق را عالی الاسناد می‌داند. (المزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۴: ۱۱۱). سند همه راویان این حدیث به حفص بن سلیمان از کثیر بن زاذان از عاصم بن ضمره از علی علیه السلام منتهی می‌شود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چه عاملی باعث شده، عاصم و حفص با این وثاقت و قدرت حافظه در قرائات، همه‌پذیر و جهان‌گیر باشند ولی در حدیث غیر قابل اعتماد؟ پاسخی که به ذهن می‌رسد این است که آنچه باعث جرح حفص و عاصم از حدیث شده، مذهب و اعتقاد ایشان بوده است؛ از این رو، سخنانی که موجب جرح ایشان از حدیث شده فاقد اعتبار علمی می‌باشد و همین‌طور نمی‌تواند به مقام و مرتبه ایشان در قرائت کم‌ترین خدشه‌ای وارد کنند.

پاکیزگی در قرائت

در «سنن» ابن ماجه، روایت سعید بن جبیر از علی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «ان افواهم طرق للقرآن فطیبوها بالسواک»؛ دهان‌های شما راه‌های قرآن است پس آن را با مسواک پاکیزه دارید (ابن ماجه، بی تا، ج ۱: ۱۰۶). پس از او ابو نعیم، دیلمی و حافظ مزی، نیز این روایت را نقل کرده‌اند (ابو نعیم اصبهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۲۹۶؛ الدیلمی، ۱۹۸۶م، ج ۱: ۲۲۱) ابن حجر، نقل این روایت را به ابو مسلم کجی، در کتاب «السنن» نسبت می‌دهد (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۸۴ق، ج ۱: ۷۰). برخی از نویسندگان اهل تسنن، به دلیل وجود بحر بن کثیر در سند روایت و اینکه سعید بن جبیر مستقیماً از علی علیه السلام روایت نکرده، روایت مورد بحث را ضعیف و منقطع دانسته‌اند (المزی، ۱۴۰۰ق، ج ۴: ۱۴؛ الکنانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۳).

۷. بهره‌وری انکاری

در مواردی اندیشمندان اهل سنت پس از بیان روایتی منسوب به امام علیه السلام، آن حدیث را انکار می‌کنند.

مکی و مدنی

علماء و دانشمندان در اصطلاح مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات قرآنی، ملاک‌ها و ضوابطی دارند که مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها زمان نزول است (رامیار، ۱۳۹۲: ۶۰۲). یکی از مباحث مهم مطرح شده در حوزه علوم قرآنی، بحث تشخیص آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی می‌باشد که تمییز آن‌ها می‌تواند بسیاری از مسائل مورد اختلاف و ادعاها را مهر تأیید زند یا رد کند. از مهم‌ترین این مسائل مباحث کلامی به ویژه اثبات و نفی آیات مرتبط با امامت و فضایل اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا ادعای مکی بودن بعضی سوره و آیات، دستاویزی برای مخالفان شده تا بهانه کنند که این یا آن آیه خاص، در شأن خاندان عترت علیهم السلام نازل نشده است (جوادی، ۱۳۹۲: ۸).

سوره قدر

در فصل اول «الإتقان» سیوطی درباره سوره قدر دو قول وجود دارد: بیش‌تر بر آن‌اند که مکی است، و برای مدنی بودنش به روایتی که ترمذی و حاکم از حضرت حسن بن علی علیه السلام نقل کرده‌اند، استدلال شده است:

پیغمبر صلی الله علیه و آله، بنی امیه را در خواب بر منبر خود دید، این امر بر آن حضرت ناگوار آمد پس دو سوره الکوثر و القدر نازل گردید. مزی گفته: «این حدیث منکر است». و برخی از اندیشمندان اهل سنت منکر مکی بودن این سوره شده‌اند، با اینکه این حدیث مورد قبول همه فرق اسلامی می‌باشد ولی چون مدلول این احادیث مخالف با اعتقاد بعضی می‌باشد آن‌ها را از نظر متن منکر می‌دانند (سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۹).

نیز در کتب شیعه اینگونه بیان شده است: در سبب نزول این آیه از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که پس از وی بنی امیه بر منبر او بالا می‌روند و با گمراه ساختن مردم آنان را به گذشته جاهلیت

برمی گردانند. بدین سبب آن حضرت محزون شد... پس جبرئیل برای آرامش خاطر او آیات ﴿أَفَرَأَيْتَ لِنَاسٍ مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَنِعُونَ﴾ (شعراء/ ۲۰۵-۲۰۷) و ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...﴾ (قدر/ ۱) را نازل کرد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۱۵۹). از دیدگاه امامیه، در ماجرای یاد شده آیاتی از سوره شعراء و قدر نازل گردید. با توجه به اینکه سوره شعراء بالاتفاق مکی است، این امر حاکی از آن است که رؤیای مزبور در مکه رخ داده است. بنابراین سوره قدر نیز باید مکی باشد.

۸. بهره‌وری بدون تصریح به نام امام

در مباحث مربوط به علوم قرآنی تعدادی از اندیشمندان اهل سنت روایات اهل بیت علیهم السلام را نقل، ولی از ایشان نامی برده نمی‌شود و روایاتی که متعلق به معصوم است عمداً یا سهواً نادیده گرفته می‌شود که در ذیل به این روایات اشاره خواهیم نمود:

نقل روایت ترتیل

اهمیت تلاوت و قرائت قرآن در نزد امام علی علیه السلام تا بدانجاست که از آن حضرت علیه السلام نقل شده است، در خانه‌ای که قرآن تلاوت شود، خیر و برکت آن فزونی می‌یابد، فرشتگان الهی در آنجا حاضر و شیاطین دور می‌شوند. این خانه‌ها برای اهل آسمان می‌درخشند، همچنان که ستارگان برای زمینیان نور می‌پراکنند (قبانجی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۸). در روایتی امام علیه السلام مراد از ترتیل را خوب اداء کردن حروف و شناخت وقف‌های قرآن می‌دانند: «الترتیل تجوید الحروف ومعرفة الوقوف» (سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۷۳). شارحان «سنن»/ «بود/ود» و «جامع» ترمذی، بدون استناد این سخن به علی علیه السلام، از آن در بیان ترتیل سود جست‌ه‌اند. در کتاب‌های شیعه نیز مشابه همین روایت دیده می‌شود که از علی علیه السلام نقل شده است:

امیر المؤمنان علی علیه السلام در معنای ترتیل فرمود: «ترتیل القرآن حفظ الوقوف و بیان الحروف» ترتیل قرآن، حفظ و رعایت محل وقف‌ها و بیان کردن حروف است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۰۱).

نتیجه بحث

با تتبع در سخنان اندیشمندان اهل سنت، نمودهایی از بهره‌وری‌های مثبت و منفی آن‌ها را از روایات اهل بیت علیهم السلام در مباحث علوم قرآنی مشاهده می‌کنیم که هر کدام جنبه‌ای خاص به خود اختصاص داده است. بهره‌وری ترجیحی که در باب تقدیم و تأخیر و مجملات قرآن، روایات اهل بیت علیهم السلام را بر روایات دیگران ترجیح داده‌اند. نمود بهره‌وری تأییدی را می‌بینیم که در این موارد اندیشمند، پس از نقل روایت امام، آن را تأیید می‌کند و بر درستی آن صحه می‌گذارد این مورد شامل حروف مقطعه و آخرین آیات نازل شده در مباحث علوم قرآنی می‌شود. بهره‌وری استنادی که در مواردی از جمله اهمیت تفسیر، جمع قرآن اندیشمند اهل سنت به روایت امام علیه السلام استناد می‌نماید. بهره‌وری دفاعی که در این بحث اندیشمند اهل سنت در جهت دفاع از امام علیه السلام بر آمده و انتساب روایت به امام را انکار می‌کند. نمود بهره‌وری وضعی (جعل از لسان معصوم) که در جهت تحریف و جعل روایات از لسان معصوم بر آمده در زمینه‌های تقدیم و تأخیر، سبب نزول، نمود بهره‌وری انتقادی، در این مورد اندیشمند اهل سنت به نقد روایت نقل شده از امام علیه السلام می‌پردازد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن ابی جمهور الاحسائی. ١٤٠٥ق، **عوالی اللآلی**، قم: انتشارات سید الشهداء.
- ابن الاثیر الجزری، المبارک بن محمد. بی تا، **النهاية فی غریب الحدیث**، بیروت: مکتبة العلمیه.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد. ١٣٨٣ش، **زاد المسیر فی علم تفسیر**، بیروت: مکتبة الاسلامیه.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. ١٤١٠ق، **من لا یحضره الفقیه**، محقق غفاری، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حجر العسقلانی. احمد بن علی. ١٣٧٩ق، **هدی الساری مقدمة فتح الباری**، بیروت: دار المعرفة.
- ابن حنبل الشیبانی، احمد. بی تا، **مسند امام احمد بن حنبل**، مصر: مؤسسه قرطبه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. ١٣٢٨ق، **متشابه القرآن**، بی جا: بیدار.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. ١٩٩٢م، **تفسیر محرر الوجیز**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوعلی الموصلی، احمد بن علی. ١٤٠٤ق، **مسند ابی یعلی**، دمشق: دار المأمون للتراث.
- البخاری، محمد بن اسماعیل. ١٤٠٧ق، **صحیح بخاری**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- البیضاوی، عبدالله بن عمر. ١٤١٦ق، **تفسیر البیضاوی، انوار التنزیل وأسرار التأویل**، بیروت: دار الفکر.
- البیهقی، احمد بن الحسین. ١٤١٠ق، **شعب الایمان**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الراوندی، سعید بن هبة الله. ١٤٠٥ق، **فقه القرآن**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- الزرقانی، عبدالعظیم. ١٩٨٨م، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الفکر.
- الزركلی، خیرالدین. ١٩٩٩م، **الاعلام**، ج ٦، بیروت: دار العلم.
- سجستانی، عبدالله بن داود. ١٣٥٥ش، **المصاحف**، بغداد: مکتبة المثنی.
- السیوطی، جلال الدین. ١٣٧١ق، **تاریخ الخلفاء**، مصر: مطبعة السعادة.
- الشوکانی، محمد بن علی. بی تا، **فتح القدير الجامع بین الروایة والدرایة فی علم تفسیر**، بیروت: دار المعرفة.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. ١٣٨٦ش، **تفسیر مفاتیح الأسرار ومصابیح الأبرار**، تحقیق محمد علی آذرشب، تهران: مرکز البحوث والدراسات للتراث المخطوط.
- الطبری، محمد بن جریر. ١٤٠٥ق، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، بیروت: دار الفکر.
- الطیالسی، سلیمان بن داود. بی تا، **مسند ابی داود الطیالسی**، بیروت: دار المعرفة.
- القرطبی. ١٤٠٥ق، **الجامع لأحكام القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
المزی، یوسف بن الزکی. ۱۴۰۰ق، تهذیب الکمال، بیروت: مؤسسه الرساله.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۶ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
النسائی، احمد بن شعیب. ۱۴۰۶ق، المجتبی من السنن، ج ۴، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه.
النوری، الحسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت.

مقالات

جوادی، محمد. ۱۳۹۲ش، «شأن نزول سوره انسان در روایات فریقین»، مجله علمی - ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، ص ۸.
خاکپور، حسین و احمد عابدی. ۱۳۹۰ش، «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی در روایات تفسیری اهل سنت»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ش ۱، ص ۳۲.
صدر، موسی و حسن ربانی. ۱۳۷۴، «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول او ۱ و ۲»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ش ۱، ص ۷۹.
محمدی، علی اکبر. ۱۳۸۳ش، «بررسی علل برتری قرائت عاصم»، فصلنامه علمی - پژوهشی دین و سیاست، شماره ۲، ص ۲۵.
ممتحن، مهدی. ۱۳۸۸ش، «امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان»، فصلنامه علمی - ترویجی فدک، شماره ۱، ص ۱۵۰.